

سرنگونی رژیم حتمی است، ایران آزاد می‌شود
سخنرانی مریم رجوی در گردهمایی بزرگ مقاومت در پاریس
۹ تیر ۱۳۹۷

روز شنبه ۹ تیرماه ۱۳۹۷ (۳۰ ژوئن ۲۰۱۸)، گردهمایی بزرگ مقاومت ایران در پاریس برگزار شد. در اجتماع عظیم ایرانیان، هیات‌های نمایندگی از کشورهای مختلف جهان، شامل برجسته‌ترین شخصیت‌های سیاسی، نمایندگان پارلمان‌ها، شهرداران، منتخبان مردم و کارشناسان و متخصصان بین‌المللی اوضاع ایران نیز شرکت داشتند. سخنرانان گردهمایی بزرگ مقاومت در پاریس، بر حمایت خود از قیام مردم ایران و آلترناتیو دموکراتیک شورای ملی مقاومت، تاکید کردند و جامعه جهانی را به اتخاذ سیاست قاطع علیه فاشیسم دینی حاکم بر ایران و ایستادن در کنار مردم به پاخاسته ایران فراخواندند.

متن سخنرانی مریم رجوی را در این جا می‌خوانید:

هموطنان،

دوستان گرامی،

شخصیت‌ها و منتخبان مردم از کشورهای مختلف،

سلام و درود بر شما و همه هموطنان عزیزم در ایران و سراسر جهان. اولین چیزی که امسال باید گفت شعله‌ور شدن

قیام خجسته و آزادیبخش در تهران و سراسر ایران است: باز هم مشهد و شیراز، قشم و بندرعباس، کرج و کرمانشاه،

شهریار و اسلامشهر، کاشان و اراک، اصفهان و رامهرمز

بله، خاموشی نمی‌پذیرد، بی‌وقفه ادامه دارد، دائماً گسترش و عمق پیدا می‌کند. خروش شهرها و جوانان شورشی، ضربان

قلب ملت ایران در شوق آزادی، برای یک ایران آزاد است.

درود مجدد به هموطنانم در خرمشهر که تشنه آب و آزادی‌اند. شما که با صراحت به آخوندها گفتید نمازتان باطل است.

من از سوی مقاومتی به این جا آمده‌ام که همه هستی خود را برای پیروزی قیام ایران و برای آزادی، سرفرازی و شکوه

ایران نثار کرده است. من به این جا آمده‌ام که آن چه را شما قیام‌کنندگان می‌خواهید، اعلام کنم.

زمان، زمان سرنگونی است. پیروزی حتمی است و ایران آزادی می‌شود.

و سلام می‌کنیم به مجاهدان آزادی در اشرف ۳، قرارگاه بی‌قراران. ساختن اشرف ۳ به دست آنها مبارک.

اهرم سرنگونی

از قیام دی ماه به این سو، نوک کوه آتش تغییر و سرنگونی در ایران نمایان شده و دکل کشتی پیروزی انقلاب دمکراتیک، و عاری از شیخ و شاه، در چشم انداز است. مردم ایران با قیام‌ها و کانون‌های شورشی، اهرم سرنگونی را به دست گرفته‌اند. این واقعیت‌ها را چگونه و در کجا می‌توان دید؟
اول این که در پرتو آفتاب مقاومت، شعبده «راه حل» از درون فاشیسم دینی، سوخته و باطل شده است، مردم و جوانان شورشگر، پایان کار هر دو جناح رژیم را اعلام کرده‌اند. همان جوانانی که بی‌باک و بیم، راه نبرد و تهاجم حداکثر، و راه مقاومت به هر قیمت را در پیش گرفته‌اند.

استمرار قیام و جنبش اعتراضی در زیر سرکوب حداکثر

دومین نشانه دوران سرنگونی این است که مردم ایران ۶ ماه است که برپایی قیام و یک جنبش اعتراضی را در زیر سرکوب حداکثر، ممکن کرده‌اند. آن‌هم با وجود پیکرهای خودکشی شده (!) در زندان‌های آخوندها و با وجود دستگیری‌ها و اعدام‌های مرعوب‌کننده روزانه.
کارگران نیشکر هفت‌تپه خیزش خود را از سر گرفتند. بعد، کارگران فولاد اهواز و بعد کشاورزان اصفهان قیام کردند. نمازگزاران در اصفهان، به امام جمعه خامنه‌ای پشت کردند و خروشیدند که: پشت به دشمن، رو به میهن.
استان اصفهان هنوز ملتهب بود که هموطنان عرب ما در خوزستان، مخصوصاً در اهواز قیام کردند. بعد، کردستان به پا خاست و اعتصاب طولانی مردم بانه همه را به تحسین واداشت. سپس، در نقشه مسیر سرنگونی، نمونه و شاخص جدیدی ظهور کرد: کازرون، شهر قیام و آتش و خون، با زنان شجاعی که همراه با برادرانشان با سنگ، نیروهای تا دندان مسلح دشمن را با همان الگوی اشرف، پس زدند.
از این جا قیام شتاب گرفت: اعتصاب رانندگان و کامیون‌داران زحمتکش در ۲۸۵ شهر در ۳۱ استان به مدت ۱۲ روز ارکان رژیم را لرزاند.

معلمان، بازنشستگان، غارت‌شده‌ها، کارگران صدها واحد تولیدی هر روز و هر روز برخاستند. از هفته پیش، بازار تهران جرقه زد و قیام در تهران و شهرهای دیگر شعله‌ور شد. ایران دوباره برخاست. با همه فرزندانیش. با همه ملیت‌ها و اقوامش. مقصد کجاست؟ ایران آزاد، با برچیدن بساط استبداد و غارتگری تا تسخیر بیت خامنه‌ای.

موقعیت انفجاری و بازگشت ناپذیر

سومین نشانه سرنگونی محتوم فاشیسم دینی اینست که تنش‌ها و تضادهای اقتصادی و اجتماعی به‌ویژه گرانی، بیکاری و فقر و نابرابری، به‌نقطه‌یی رسیده که بازگشت‌ناپذیر است. موقعیت انفجاری را همه احساس می‌کنند. وانگهی آخوندها نه راه‌حلی دارند، نه می‌خواهند و نه می‌توانند مشکلی را حل کنند.

ولایت فقیه فاقد هرگونه مشروعیتی است، موقعیت خامنه‌ای کیفاً تنزل کرده، تمام رژیم در تنگنای بی‌پولی است، سپاه پاسداران و بسیج ضد‌مردمی دچار ریزش است، نمایش اصلاح‌طلبی برای حفظ رژیم دیگر تماشایی ندارد، و سرپای حکومت در گرداب جنگ درونی است.

حالا این مدافعان رژیم‌اند که به‌وجود دو دولت متخاصم در رأس نظام اقرار می‌کنند. یکی از آن‌ها آشکارا گفته است: «به نقطه عطف حذف یکی از دو دولت نزدیک می‌شویم. یا دولت پنهان... ارکان حکومت را (به‌طور) کامل در دست می‌گیرد یا مجبور به عقب‌نشینی از قلمروهای مختلف... می‌شود».

فرو ریختن سیاست مامشات

چهارمین نشانه دوران سرنگونی اینست که در سطح بین‌المللی، آخوندها مهم‌ترین پشتوانه سیاست مامشات را که در آمریکا بود، از دست داده‌اند. سپر بین‌المللی حافظ رژیم فرو ریخته، برجام‌شان را عملاً از دست داده‌اند، بهمن تحریم‌ها، پیاپی بر سرشان فرود می‌آید و توان جنگ‌افروزی و ماجراجویی منطقه‌یی آن‌ها فروکش می‌کند. تحریم تسلیحاتی و نفتی که مقاومت ایران از ۴ دهه پیش خواهان آن بوده، اکنون تا اندازه‌یی به‌جریان افتاده است. روزگار برچسب زدن و بمباران و سرکوب اپوزیسیون به درخواست این رژیم و برای این رژیم، دیگر به‌سر آمده است.

رنج و خون شهیدان و اسیران در قیام‌ها شعله می‌کشد

پنجمین و مهم‌ترین نشانه دوران سرنگونی اینست که آنچه آخوندها از آن می‌ترسیدند، به‌دست آمده و آن پیوند میان خشم محرومان و ستم‌زدگان با مقاومت سازمان‌یافته است. این را همه سران رژیم و مهره‌های ریز و درشت آن بارها خاطرنشان کرده‌اند. و این، اقرار آن‌ها به‌پایان کار رژیم است.

آری، سرنگونی در راه است.

از این پیشتر، در سال ۱۳۹۲ پس از گروگانگیری و پس از قتل عام ۵۲ مجاهد خلق در اشرف، مسعود رجوی نقشه مسیر هزار اشرف در داخل ایران را در چارچوب مؤسسان چهارم ارتش آزادی اعلام کرد. تا سازمان رهبری‌کننده قیام، به مردم به‌پاخاسته متصل شود. بر این اساس، کانون‌ها و شوراهای مقاومت ملی، نوک پیکان استراتژی قیام و سرنگونی در شهرهای به‌پاخاسته و شورشی هستند. این چنین است که رنج و خون شهیدان و اسیران از ۳۰ خرداد تا امروز، در قیام‌ها شعله می‌کشد. هم چنان که مسعود رجوی گفته: «اگر ایران بایستد، جهان با ما و در کنار ما خواهد ایستاد».

یک نسل پر اشتیاق و تشنه آزادی بپا خاسته است. قیام‌آفرینان و کانون‌های شورشی راه تازه‌یی گشوده‌اند.

برخیزید و در این راه قدم بگذارید! دست‌های خود را در دسته‌های آنان قرار دهید و برای یک ایران آزاد به ندای آنان پاسخ بدهید و حاضر بگویید.

دیدید که ورزشی‌ها ورودی شهر را در اختیار گرفتند، کازرونی‌ها خیابان‌ها را در اختیار گرفتند، و راننده‌ها و کامیونداران جاده‌ها را در اختیار گرفتند.

و دیدید که جوانان تهران در لاله‌زار و فردوسی و شوش و ملت و اکباتان با چه روحیه و شجاعتی خیابان‌ها را سنگربندی کردند و با مزدوران وحشی مقابله کردند؟

این، نبرد ملت ایران، برای در اختیار گرفتن تمام کشور و برای پس گرفتن ایران از آخوندهای اشغالگر است.

سرنگونی رژیم، کانون شورشی و ارتش آزادی می‌خواهد

صنعت آلترناتیوسازی مجازی و مونتاژ در بازار سیاست البته با کپی چسبان، این روزها رونق یافته است، که این هم از علائم دوران پایانی رژیم است. اما مسأله این است که چگونه می‌خواهند این رژیم را زمین بزنند؟ به‌خصوص که رود سرخ خون شهیدان به‌طور تاریخی نه جایی برای سبز شدن ارتجاع آخوندی باقی گذاشته نه برای ارتجاع سلطنتی. حال اگر:

بدون تشکیلات و سازمان رهبری‌کننده، بدون عبور از کوره‌های گدازان سنجش و آزمایش، و بدون پرداخت قیمت و فدا و مجاهدت، می‌توان به‌کار این رژیم پایان داد، ما می‌گوییم: بفرمایید، درنگ نکنید.

اگر بدون سابقه و پشتوانه جنگیدن با دو رژیم، بدون مرزبندی با دیکتاتوری و وابستگی، بدون مقاومت سراسری و کهکشان شهیدانش و بدون در افتادن با اصل ولایت فقیه و اصلاح‌طلبان قلابی، می‌توان حاکمیت مردم را جایگزین کرد، بفرمایید، درنگ نکنید.

اگر بدون مقابله با خمینی بر سر جنگ ضدمیهنی و گل‌گرفتن تنور جنگ و شعار «فتح قدس از طریق کربلا»، بدون تحمیل آتش‌بس با یک‌صدرشته عملیات ارتش آزادیبخش ملی، و فتح مهران و پیشروی تا دروازه کرمانشاه، و بدون افشای جهانی برنامه‌ها و تأسیسات اتمی، موشکی، شیمیایی و میکروبی رژیم آخوندی، می‌توان آخوندها را به‌زیر کشید، بله درنگ نکنید.

اگر بدون افشای جهانی نقض حقوق بشر و جنایت‌های رژیم در ۶۴ قطعنامه ملل متحد و بدون جنبش دادخواهی زندانیان سیاسی قتل‌عام‌شده در سال ۶۷، بدون کارزار اشرف‌نشان‌ها در چهارگوشه جهان و پای فشردن بر حقوق ملت ایران به مدت ۴ دهه، بدون برنامه و طرح‌های مشخص شورای ملی مقاومت و دولت موقت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران و سرانجام، بدون رهبری آزموده و مشخص که پنج دهه این مبارزه سهمگین را پیش برده، اگر بدون این‌ها می‌توان این راه ۵۰ ساله را یک‌شبه طی کرد و صرفاً با رویای حمایت خارجی در ایران تغییر واقعی ایجاد کرد، بفرمایید این گوی و این میدان.

اما بگذارید بگویم که این خواب و خیال فقط با الگوی اشغال کشور عراق، یعنی با لشکرکشی خارجی متصور است، که نتیجه آن هم از قبل معلوم است.

در این ۴۰ سال، مدعیانی که اهل قیمت‌دادن نبودند، همه، شانس خود را آزمودند. ولی واقعیت‌ها و تجربه‌ها، نشان داده که این رژیم تاریک و سیاه، نه استحاله و اصلاح می‌شود. نه «سبز» و «مخملی».

سرنگونی این رژیم، لاجرم قیمت می‌خواهد. صداقت و فدا می‌خواهد. سازمان و تشکیلات و جایگزین مستحکم سیاسی می‌خواهد. کانون شورشی می‌خواهد و ارتش آزادی.

در عین حال، چنان‌که مسعود رجوی در جمع‌بندی قیام دی‌ماه گفته است: «ما رقیب کسی برای رسیدن به قدرت نیستیم. و قطعاً کسی هم رقیب مجاهدین در مسیر صدق و فدا و پرداخت کردن نیست».

جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی

مقاومت ایران از ۱۶ سال پیش با تصویب طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی اعلام کرده حاضر به همکاری با همه نیروهای جمهوری‌خواهی است که به نفی کامل رژیم ولایت فقیه التزام دارند و برای یک ایران دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت مبارزه می‌کنند.

شورای ملی مقاومت از ۴ دهه پیش، به دور از لفاظی‌های رایج سیاسی، قیمت یکایک کلمات و مصوبات و تعهدات خود را با رنج و خون بسیار پرداخته است.

ما به پی‌ریزی جامعه‌یی فرا می‌خوانیم که تار و پودش آزادی، دموکراسی و برابری است. هم چنین مرزبندی با استبداد و وابستگی و تبعیض جنسی و قومی و طبقاتی است. ما از برابری زن و مرد، از حق انتخاب آزادانه پوشش، از جدایی دین و دولت، از خودمختاری ملیت‌ها، از تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران، از لغو اعدام، از آزادی بیان، احزاب، مطبوعات و اجتماعات، از آزادی اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، شوراها و سندیکاها دفاع کرده و دفاع می‌کنیم.

طرح ۱۲ماده‌یی شورای ملی مقاومت برای خودمختاری کردستان ایران که ۳۵ سال پیش تصویب و اعلام شده، هنوز هم یکی از جامع‌ترین الگوهای جهانی است. و سرانجام ایران آزاد، یک ایران غیراتمی، در همزیستی مسالمت‌آمیز، با همکاری‌های منطقه‌یی و بین‌المللی است.

این است سیمای یک جایگزین دموکراتیک در برابر حاکمیت آخوندی و هرگونه دیکتاتوری.

در این مسیر، اولین گام، انتقال حاکمیت به مردم ایران است. با اتکا به همین مردم و پایگاه مردمی است که می‌توان از هرج و مرج و ناامنی بر حذر ماند و می‌توان تمامیت ایران و ایرانی را حفظ کرد و سرافراز نگهداشت.

طبق برنامه شورای ملی مقاومت، پس از سرنگونی رژیم، یک دولت موقت شش ماهه تشکیل می‌شود که وظیفه اصلی آن، تشکیل مجلس مؤسسان از طریق انتخابات آزاد با رأی عمومی، مستقیم، مساوی و مخفی مردم ایران است.

این مؤسسان باید طی ۲ سال قانون اساسی جمهوری جدید را تدوین کند، و آن را به رأی مردم ایران بگذارد. هم‌چنین نهادهای اساسی جمهوری جدید را طبق آرای مردم، مستقر کند.

حق حاکمیت پایمال شده مردم ایران باید احیا شود

ما معتقدیم که رهایی جامعه از گرانی، فقر، بیکاری، زاغه‌نشینی، قحطی آب و فجایع زیست‌محیطی امکان‌پذیر است. اما قبل از هر چیز حقوق سیاسی و مشخصاً حق حاکمیت پایمال شده مردم ایران، باید اعاده و احیا شود. این خاستگاه مقاومت ما و فلسفه وجودی شورای ملی مقاومت ایران است.

اما سود اساسی رژیم، همواره در این بوده و هست که توانایی این مقاومت و این جایگزین را انکار و از مماشات‌گران در غرب برای سرکوب این جنبش استفاده کند.

بنابراین در رابطه با ایران، تا وقتی موضوع مقاومت و حق مقاومت و به رسمیت شناختن این مقاومت، وارد معادلات نشده، نمی‌توان خسارت‌ها و ضربات سیاست مماشات با فاشیسم دینی را جبران کرد.

ما همواره گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که سرنگونی و تغییر دموکراتیک و برپایی ایران آزاد بر عهده خود ما و مردم ماست. ما در عین حال از هرگونه عقب‌نشینی آخوندها استقبال می‌کنیم. زیرا هزار جام زهر، در خدمت هزار اشرف است.

امروز فرزندان رشید ایران در کار برپایی قیام‌ها سراز پا نمی‌شناسند. به زنان شجاع ایران که همه جا پیشاهنگ و پیشرو هستند، درود می‌فرستم و درود به جوانان و اعضای کانون‌های شورشی که در اسارت و زندان هم، با تأکید بر سرخ‌ترین نام، یعنی هویت مجاهدی‌شان، رژیم را وحشت‌زده می‌کنند.

هر ثانیه با قیام باشیم و برای پیشرفت قیام فداکاری کنیم

شما را به حمایت عملی از قیام‌ها فرا می‌خوانم. از هر ایرانی در هر کجا که هست، برای پیش‌بردن قیام کاری ساخته است. هم چنین، از شما جوانان ایرانی، که در این جا حاضرید، کارهای زیادی ساخته است. این تعهد همه ما و پیمان من و ما با ملت ایران است که همه چیز را در کفه قیام بگذاریم، هر ثانیه با قیام باشیم و در همه جبهه‌ها برای پیشرفت قیام فداکاری کنیم. بله، همه برای قیام و هر لحظه با قیام.

با درود به همه شهیدان و زندانیان مقاوم از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ تا امروز و به یاد عشق‌های شعله‌ور و فروزان مانند صدیقه و ندا در پانزدهمین سالگرد پرکشیدنشان. یاد و نام آن‌ها گرامی باد.

من به خوبی می‌دانم که احساسات بی‌شائبه شما، متوجه کهکشان شهیدان مقاومت و ارتش آزادی مردم ایران است، و به خاطر قیام‌آفرینان و کانون‌های شورشی و زندانیان پایدار و مقاوم است. به خصوص به خاطر شهیدان قتل‌عام‌شده در زندان‌های رژیم آخوندی در سال ۶۷ است که امسال سی‌امین سالگرد جانفشانی آن‌هاست.

از درون شب تار

می‌شکوفد گل سرخ،

نیست تردید زمستان گذرد

وز پیاپی یک بهار با هزاران گل سرخ

سلام بر آزادی، سلام بر مردم ایران و درود بر همه شما.